

ترجمه دعای کُمیل به فارسی

نیایش امیرالمومنین حضرت علی (ع) به درگاه پروردگار ایزد یکتا

* حضرت علی (ع)، امیرالمومنین مظهر مسلمانی و خدا پرستی است.

* حضرت علی (ع)، امیرالمومنین بتمام دستورات خداوند یکتا عمل میکرد، فقط و فقط از خداوند کمک میخواست و فقط و فقط بدرگاه خداوند یکتا دعا میکرد.

(خداوند در سوره جن، آیه 18 میفرماید)

"کسی را در کنار خدا به کمک نخوانید"

* حضرت علی (ع)، امیرالمومنین در دعای کُمیل و در نهج البلاغه، حتی یک بار از حضرت محمد (ص) هم کمک نخواست، و فقط و فقط از خداوند کمک میخواست.

(خداوند در سوره احقاف، آیه 5 میفرماید)

"کیست گمراه تر از کسی که غیر خدا را به کمک میخواند"

(خداوند در سوره شوری، آیه 31 میفرماید)

"غیر از خدا هیچ یار و یآوری برای شما وجود ندارد"

* این روش حضرت علی (ع) است، پیروی کردن از سالار مردی چون امیرالمومنین، حضرت علی (ع)، کاتب و مطیع قرآن مجید، امام مسلمانان جهان، پدر بزرگوار سیدالشهدا و وظیفه هر مسلمانی است

لطفا بیاد بیاورید که ما حداقل روزی ده بار در نمازهایمان با خداوند چنین عهده را می بندیم:

"ایاک نعبد و ایاک نستعین"

"(خداوندا) فقط بندگی تو را میکنیم، و فقط از تو کمک میخواهیم."

نیایش شاه مردان حضرت علی (ع) بدرگاه ایزد یکتا

خداوندا ...

همانا از تو درخواست میکنم به مهربانیت که همه چیز را فرا گرفته
و به نیرویت که بدان همه موجودات را مقهور ساخته ای
و هر موجودی در برابر آن خوار و خاکسار گشته
و به جبروتت که بدان بر همه چیز چیره شده ای
و به ارجمندیت که هیچ موجودی در برابر آن نیستند
و به بزرگیت که همه موجودات را پُر کرده است
و به فرمانرواییت که بر فراز همه چیز قرار دارد
و به ذاتت که پس از نیستی همه موجودات پاینده است
و به نامهایت که همه کرانه هستی را پر کرده است
و به داناییت که همه موجودات را فرا گرفته
و به روشنایی ذاتت که همه موجودات از او روشنایی یافته اند.
ای روشنایی
ای بسیار پاک
ای ابتدای هر آغاز
و ای سرانجام هر پایان

خداوندا ... بیامرز آن گناهانم که پرده پاکدامنی ها درَد
خداوندا ... بیامرز آن گناهانم که عذاب وکیفر فرود آرد
خداوندا ... بیامرز آن گناهانم که نعمتها را دگرگون سازد
خداوندا ... بیامرز آن گناهانم که اجابت دعا باز دارد
خداوندا ... بیامرز آن گناهانم که بلا فرو بارد
خداوندا ... بیامرز آن گناهانم که امید را قطع میکند
خداوندا ... بیامرز هر گناهی که کرده ام و هر خطایی که از من سر زده است.

خداوندا ... همانا من با یاد تو به تو نزدیکی جویم و به وسیله تو از درگاهت
شفاعت خواهم؛ و به حق بخشندگیت از تو درخواست می کنم که مرا به خودت
نزدیک کنی و سپاست را بر من ارزانی داری و یاد خود را در دلم افکنی.

خداوندا ... همانا از تو درخواست می کنم همانند درخواستِ فروتنی
خوار و خاکسار که کار را بر من آسان گیری و به من رحم آوری
و مرا بدانچه بر من قسمت کرده ای خشنود و قانع گردانی
و در همه حال فروتنم نمایی.

خداوندا ... از تو درخواست می کنم همانند درخواست
کسی که سخت تهیدست شده
و خواسته اش را به گاه (هجوم) دشواری ها نزد تو آورده است
و میل و رغبتش بدانچه نزد توست فزونی یافته است

خداوندا ... حکومت تو بزرگ و جایگاهت والا است
و تدبیر تو نهان و فرمانت عیان است و قدرت تو چیره
و تواناییت نافذ و کاراست و گریز از فرمانروایی تو ناشدنی است.

خداوندا، برای گناهانم آمرزنده ای و برای زشتی هایم پوشاننده ای
و برای کردار زشتم کسی نیابم که آن را به کردار نیک گرداند مگر تو
که معبودی جز تو نیست پاک و منزهی تو و به ستایشت مشغولم.

من بر خویشتن ستم کردم و از سر نادانی گستاخی نمودم
و دلم آرام گرفت به اینکه از قدیم مرا یاد کرده ای
و نعمت خود را بر من ارزانی داشته ای.

خداوندا، سرور، بسا زشتی ها که آن را پوشاندی
و بسا بلاهای گران که از من بگردانیدی
و بسا لغزش ها که مرا از آن نگاه داشتی
و بسا ناگواریها که از من راندی
و بسا ستایشهای زیبا که سزاوار آن نبودم و تو
آن را (بر سر زبانها) پراکنده ساختی.

خداوندا ... گرفتاریم بس بزرگ است
و پریشانیم مرا از حد (صواب و اعتدال) گذرانیده
و کردارم (دست مرا از رسیدن و رستگاری) کوتاه کرده
و زنجیرهای وابستگی مرا به بند کشیده و زمین گیرم کرده است
و آرزوهای بلند مرا از رسیدن به سود (حقیقی) باز داشته

و دنیا با فریبکاری های خود مرا فریفته است
و نفسم با گناهان و سهل انگاریش مرا به ورطه فریب فرو افکنده است

سرورا... از تو درخواست میکنم به حق ارجمندیت که مبادا بدی کردارم،
دعایم را از اجابت تو باز دارد؛

پروردگارا... مرا بر آنچه از نهانم آگاهی داری رسوا مساز
و به واسطه کردار بد و کارهای ناروایی که نهانی از من سرزده و اصرار در گناه
و نادانی و بسیاری شهوات و غفلتی که داشته ام در کیفرم شتاب مدار؛

خداوندا... به حق ارجمندیت در همه حال نسبت به من مهربان باش
و در همه کارها بر من رحم آور.

معبودا و پروردگارا... جز تو چه کسی را دارم که از او درخواست کنم
تا زیان و گزندم برطرف سازد و در کارم نیک نگردد؟

معبودا و سرورا... تو بر من فرمانی دادی
ولی در انجام آن از نفسم پیروی کردم
و در این باره از فریبکاری دشمنم حذر نکردم.
پس او به دلخواه خویش مرا فریفت
و قضا (و قدر) نیز با او همرهی و یاری کرد
و در اثر آنچه بر من رفت از پاره ای احکام و حدودت درگذشتم
و با پاره ای از فرمانهایت مخالفت کردم.

پس در همه این احوال تو را ستایم

و اینک در آنچه قضای تو بر من رفته و حکم و آزمایشت مرا بدان ملزم ساخته،
حجت و برهانی ندارم

خداوندا... اینک در حالی به درگاہت آمده ام
که بر خویش تقصیر و زیاده روی کرده ام
و عذر خواه و پشیمان و شکسته و معذرت جو و آمرزش خواه و توبه کار
و اعتراف کننده و اقرارگر (بر گناهانم) هستم

گریزگاهی از کرده ام نیابم و پناهگاهی که در کار خویش بدان روی کنم ندارم
جز اینکه پوزشم پذیری و مرا در عرصه رحمت خود آوری

خداوندا ... پوزشم بپذیر و بر پریشانیم رحم آور
و مرا از رشته سخت (گناهانم) برهان
پروردگارا ... به ناتوانایی پیکرم و نازکی پوستم و باریکی استخوانم رحم کن

ای آنکه به آفرینش و یاد و پرورش و احسان و غذا دادم پرداختی؛
اینک مرا به همان بزرگواری و نیکی پیشین خود که بر من روا داشتی ببخش.

معبودا و سرورا و پروردگارا ...
آیا براستی تو چنانی که مرا به آتش خود عذاب دهی
و حال آنکه به یگانگی تو باور دارم
و دلم تو را شناخته و زبانم به یاد تو گویا شده و نهادم به دوستی تو پیوند خورده
و از روی راستی و صداقت به وجود تو اعتراف کرده ام
و مقام پروردگاری تو را فروتنانه ستوده ام؟

[این گمان] چه دور است!

تو بزرگتر از آنی که دست پرورده ات را به تباهی کشی
یا آن را که پناه داده ای، آواره سازی
و یا کسی را که خود سرپرستی کرده ای و بدو مهر ورزیده ای
به گرفتاری و بلا واگذارش کنی

معبودا و سرورا و صاحبا ... ای کاش می دانستم
که آیا چنین است که آتش را بر رخساره هایی چیره می سازی
که در برابر بزرگی تو به سجده در آمده اند؟

و آیا چنین است که آتش را بر زبانهایی چیره میکنی
که صادقانه زبان به یکتایی تو گشوده اند و ستایشگرانه سپاس تو گفته اند؟

و آیا چنین است که آتش را بر دلهایی قاهر می سازی
که از روی یقین به خداوندی تو اعتراف کرده اند؟
و آیا آتش را بر نهاد هایی چیره می کنی

که درباره تو به قدری دانایی به دست آورده اند
که در پیشگاهت خوار و خاکسار شده اند؟

و آیا آتش را بر اعضای چیره می سازی
که فرمانبردارانه ره به سوی پرستشگاه هایت پیموده اند
و با اعتراف به گناهان خود از تو درخواست آمرزش دارند؟

چنین گمانی به تو نداریم و با وجود فضل تو چنین خبری از تو نیافته ایم ای بزرگوار

ای پروردگار ... تو ناتوانایی مرا در برابر اندکی از بلاهای دنیا
و کیفرهای آن و ناگواریهایی که (معمولاً) بر ساکنانش رود میدانی،

هر چند درنگ در این بلاها و ناگواریها اندک،
ماندنش ناچیز و زمانش کوتاه است پس چگونه بالای آخرت
و ناگواریهای سخت آن را تاب آرم در صورتی که بالای آخرت دیر پا
و پایدار است و دوزخیان را در آن تخفیفی نباشد؟

زیرا که این بلا از خشم و غضب و انتقام تو خیزد
و این چیزی است که آسمان و زمین تاب آن نیارند

سرورا، چگونه تاب آن آرم در حالی که بنده ای ناتوان
و خوار و خرد و بینوا و درمانده تو هستم؟

معبودا و پروردگارا و سرورا و صاحبا ...
برای کدامین کاربه تو شکایت آورم؟
و برای کدامین چیز بگیریم و شیون سر دهم؟
آیا برای عذاب دردناک و سخت یا برای طول بلا و مدت آن؟

پس اگر مرا برای کیفرها در شمار دشمنانت در آوری
و با گرفتاران بلایت در یکجا گرد آوری
و میان من و اولیاء و دوستانت جدایی افکنی،

گیرم معبودا و سرورا و صاحبا، بر کیفر تو شکیبا باشم
اما چگونه بر دوری تو شکیبایی ورزم؟
گیرم بر سوزندگی آتشت صبر آرم
اما چگونه (محرومیت از) نظر به سوی کرامت تو را صبر توانم نمود؟

یا چگونه در آتش درنگ کنم و حال آنکه به گذشت تو امیدوارم؟

پس سرورا و صاحبا،
به حق ارجمندیت از روی راستی سوگند میخورم
که اگر مرا (در آتش) گویا و ناطق رها کنی،
هر آینه در میان دوزخیان به درگاهت شیون برآرم،
همانند شیون آرزومندان
و همچون فریاد فریاد خواهان به درگاهت فریاد برآورم
و مانند عزیز گمشدگان بر تو بگریم و تو را هر کجا که باشی ندا دهم

**کجایی ای سرپرست مؤمنان، ای نهایت آرمان عارفان،
ای فریاد رس فریاد خواهان، ای محبوب دل راستگویان،
و ای معبود جهانیان؟
پاک و منزهی تو ای معبودم و به ستایش تو مشغولم؛**

آیا چنین است که تو در دوزخ، بانک بنده ای مسلمان را بشنوی
که برای مخالفتش به بند کشیده شده
و مزه کیفر آن را به خاطر نافرمانیش چشیده
و به خاطر جرم و خطایش در میان طبقات آن زندانی شده است،
و حال آنکه او همچون بنده ای امیدوار به رحمتت شیون کند
و با زبان یکتا پرستان تو را ندا دهد و به پروردگاری تو توسل جوید؟

سرورا ... چگونه در عذاب بماند
حال آنکه به آنچه از بردباری تو گذشته امیدوار است؟
یا چگونه آتش او را به درد آرد
در حالیکه به فضل و مهربانی تو دل بسته است؟
یا چگونه زبانه آتش او را بسوزاند
در حالی که تو آوی او شنوی و جایگاهش ببینی؟
یا چگونه خروش شراره آتش او را فرا گیرد

و حال آنکه تو ناتوانایی او دانی؟
یا چگونه در میان طبقات آتش پریشان ماند
در حالی که تو راستی و صداقت او شناسی؟

یا چگونه مأموران آتش او را بتندی رانند و حال آنکه تو را ندا دهد:

پروردگارا...

یا چگونه برای رهایی از آتش به فضل تو امید بندد
حال آنکه تو او را در آتش به حال خود واگذاری؟

**هرگز چنین گمانی به تو نرود
و فضل و عطای تو اینسان شناخته نشده است،**

و با آن نیکی و احسانی که نسبت به یکتا پرستان داشته ای
همگون و همانند نیست،
پس به یقین دانم که اگر فرمان تو بر این نمی رفت
که ستیزندگان را کیفر دهی ،
و اگر حکم حتمی نمیراندی که بدخواهانت (در آتش دوزخ) جاودان مانند
بی گمان آتش را سرد و سازگار می نمودی
و برای کسی در آنجا نه جایگاهی بود و نه درگاهی

ولی تو که نامهایت پاک و منزّه است
سوگند خورده ای که دوزخ را از آدمیان و پریان کافر انباشته سازی
و بدخواهان را در آنجا ماندگار نمایی

و تو که از حد ستایش والاتری در آغاز چنین گفتی
و به نعمتهایت بر بندگان منت نهادی که:
" آیا مؤمنان با تباہکاران یکسانند؟ نه یکسان نیستند."

معبودا و سرورا... به حق نیرویی که تقدیر کردی
و فرمانی که حتمی نمودی و بر هر کس راندی چیره شدی،
از تو درخواست میکنم که در همین شب و همین ساعت
بر من ببخشی هر خطایی که انجام داده ام و هر گناهی که مرتکب شده ام
و هر زشت و ناروایی که نهان نموده ام و هر نادانی که کرده ام
خواه مخفی و نهانش داشته ام و یا آشکار و عیاننش ساخته ام
و هر کژی که به نویسندگان گرانپایه ات (یعنی فرشتگان)
فرمان دادی آن را یاد داشت کنند

همان فرشتگانی که برگماشتی تا هر چه از من سر زند ثبت کنند
و آنان را همراه اعضایم گواهانی بر من ساختی
و (علاوه بر آن) خود نیز مراقب من بودی
و گواه چیزهایی شدی که بر آنها پوشیده بوده است
و تو با مهربانی خود، آنرا نهان داشتی و با فضل خود آنرا پوشاندی

و از تو درخواست میکنم که بهره مرا از هر چیزی که فرو فرستی،
و یا احسانی که بنمایی، یا نیکی های که پخش کنی،
یا رزقی که بگستری، یا گناهی که بیامرزی،
یا کژی و خطایی که بیوشانی، فراوان کنی

پروردگارا ... پروردگارا ... پروردگارا
معبودا ... سرورا ... صاحبا ... و ای مالک من

ای آنکه اختیارم بدست اوست
ای دانای به پریشانی و بینواییم ای آگاه بر فقر و نداریم

پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا ...

به حق خودت و به ذات پاک تو و به برترین نامها و صفاتت
از تو درخواست میکنم
که روزان و شبان مرا به یادت آباد سازی و به خدمتت پیوسته داری
و اعمالم بپذیری تا کردارم و گفتارم همه یکجهت برای تو باشد
و حالم همواره در خدمت تو

سرورا ...
ای آنکه به تو تکیه دارم، ای که به سوی تو از حال (زارم) شکایت برم

پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا ...

اعضایم را بر انجام خدمتت نیرومند ساز
و دلم را بر عزم و آهنگت قوی دار
و در بیم از مقامت به من جهد و تلاش بخش
و در پیوستگی خدمتت مداومت ده

تا در میدان های پیشتازان به سویت ره سپرم
و در میان شتابندگان به درگاهت شتابم
و در میان دلباختگان مقام قُرب تو دل گشایم
و همچون مخلصان به درگاهت نزدیک شوم
و همانند یقین کنندگان از تو بترسم
و در جوار رحمت تو همراه با مؤمنان در یکجا گرد آیم

خداوندا ... هر که بد من خواهد بد او خواه
و هر که به نیرنگ با من خاست به تدبیر خویش گرفتارش کن
و مرا در برخوردارى از بهره ات در شمار بهترین بندگان خود قرار ده

و در مقام و مرتبت، جایگاهم را نزدیکتر از ایشان کن
و تقرّب مرا در پیشگاهت، مخصوص تر از آنان قرار ده
و بی گمان چنین مقامی به دست نیاید مگر به فضل تو؛

و بخشش و بزرگواریت را بر من ارزانی دار
و به حق بزرگواریت به من التفات فرما

و به حق مهربانیت مرا ننگه دار
و زبانت را به یاد خود گویا و دلم را به دوستی ات بیتاب گردان
و به نیکی اجابت خود بر من منت نه
و لغزشم نا دیده گیر و گناهیم بیامرز

که همانا پرستش خود را بر بندگانیت واجب کرده ای
و آنها را به دعایت فرمان داده ای
و اجابت آن را ضمانت کرده ای.

پروردگارا ...

رو بسوی تو دارم و بسوی (مهربانی تو) دست نیاز دراز کرده ام،
پس سوگند به عزت و شکوهت که دعایم اجابت فرما
و مرا به آرزویم برسان و از فضل خود نومیدم مگردان
مرا از گزند دشمنانم خواه پریان و خواه آدمیان برهان؛

ای آنکه زود (از بند گانت) خشنود شوی
بیامرز کسی را که (برگ و نوایی) جز دعا ندارد؛
و همانا تو هر چه خواهی آن کنی

ای آنکه نام او دارو ...

و یاد او درمان و فرمانبرداری او توانگری و بی نیازی است؛
رحم آور بر کسی که سرمایه ای جز امید و سلاحی جز گریه ندارد

ای تمام کننده نعمتها، ای رفع کننده کیفرها،
ای روشنایی وحشت زده گان در تاریکی ها، ای دانای نیاموخته،
بر محمد و پیروان محمد درود فرست
و با من آنگونه رفتار کن که تو را سزد
و درود خدا بر فرستاده و پیشوایان فرخنده خاندانش باد
و سلام فراوان خدا بر ایشان باد.

این یکی از نیایش های شاه مردان حضرت علی (ع) بدرگاه ایزد یکتا است
این شهید راه توحید، همانطور که خواندید، فقط و فقط به درگاه خداوند توسل میجوید،
فقط و فقط بدرگاه خداوند دعا میکند، و فقط و فقط از خداوند تقاضای کمک میکند.
من که خودم را مسلمان مینامم، من که علی را امام مینامم، من که حداقل روزی ده بار در نمازهایم میگویم

"ایاک نعبد و ایاک نستعین"

"(خداوندا) فقط بندگی تو را میکنیم، و فقط از تو کمک میخواهیم."

اگر چندی بعد دستم را به آسمان بلند کنم و از کسی غیر از خداوند طلب کمک کنم،
یا بدرگاه غیر خدا دعا کنم، معنی این کارم چیست؟
لطفاً این دعا و آدرس این وب سایت را به آشنایانتان بدهید و از آنها هم بخواهید که چنین کنند
و برای من و همگامان من در این راه بدرگاه خداوند بزرگ و یکتا دعا کنید

www.eHolyQuran.com

حسن زمان زاده